

# ریشه‌یابی

## جامعه‌شناختی بی‌حجابی

حسین شرف‌الدین

**چکیده:** یکی از آسیب‌های اجتماعی کم و بیش رایج در جامعه ما، مسئله بی‌حجابی و بدحجابی است. پدیده‌ای که ظهور هر چند ضعیف آن نیز با توجه به پیشینه فرهنگی، الگوی آموزشی و تربیتی غالب، حساسیت‌های وجدان جمعی، مراقبت و کنترل افکار عمومی، سیاست‌های فرهنگی نظام و ... بسیار غیر منتظره و مستبعد می‌نماید. بی‌شک، این پدیده نیز هم‌چون سایر پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی از علل و عوامل آشکار و پنهان متعددی ناشی شده است. این نوشتار، از منظری عام و باروی کردی بیشتر جامعه‌شناختی به شناسایی و تحلیل علل مؤثر در شکل‌گیری و بقای این پدیده پرداخته است. در پایان نیز مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راهکارهای بایسته که اجرای دقیق آنها در کنار سایر تمهیدات بالقوه می‌تواند از رشد روزافزون این معضل جلوگیری کند و همگان را در خصوص مبارزه

ریشه‌ای با آن حساس سازد؛ و پژوهشگران را در دست‌یابی به حقیقت و زوایای بحث یاری رساند؛ به دست داده شده است.

**واژگان کلیدی:** الگوی پوشش، هنجار، بی‌حجابی، کج‌روی، جامعه‌پذیری، اشاعه فرهنگی، مدگرایی، کنترل اجتماعی، کارکرد.

### مقدمه

یکی از هنجارهای کهن و سنت‌های ملی و دینی دیر پای جامعه ایران اسلامی، سنت حجاب و پوشش کامل زنان هنگام حضور در اجتماع است. این هنجار در منطق دین، طیف گسترده‌ای از رفتارهای مختلف از پوشش کامل اندام به استثنای مواضع خاص گرفته تا شیوه گفتار، نگاه، راه رفتن، استفاده از زیورآلات، آرایش کردن و کاربرد مواد خوش‌بوکننده را دربرمی‌گیرد. افزون بر آن، به برخی امور حاشیه‌ای هم چون نوع دوخت، جنس لباس، رنگ و تناسب لباس با سن فرد نیز ارتباط می‌یابد. از این رو، حجاب کامل به معنای رعایت دقیق این مجموعه، متناسب با عرف اجتماعی و نقض کامل آن نشانه بی‌حجابی است. رفتار فرد با حجاب به دلیل رعایت معیارها و ضوابط و هم‌سویی با ارزش‌های اجتماعی با واکنش‌های مثبت و رفتار بدحجابان و بی‌حجابان با واکنش‌های منفی اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

پدیده «بی‌حجابی» که گونه‌ای انحراف و کج‌روی اجتماعی به شمار می‌رود، پدیده‌ای است که جامعه ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در برخی شهرهای بزرگ و به ویژه در میان برخی گروه‌های جامعه با آن روبه‌رو بوده است. با وجود رخ دادن دگرگونی‌های بنیادین در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی و توفیق نسبی در زدودن برخی مظاهر فرهنگ بیگانه، حکومت تاکنون نتوانسته است این معضل اجتماعی را به شکلی معقول حل کند و به این ضرورت فرهنگی و خواست همگانی، پاسخی شایسته بدهد. چه عواملی در شکل‌گیری این معضل مؤثر بوده و هستند و چرا تاکنون، با

وجود حساسیت‌های شدید فرهنگی و اقدامات سازمانی، توفیق چندانی حاصل نشده است و چه موانعی برای درمان چنین معضلی وجود دارد. این نوشتار با هدف شناخت این معضل و تبیین چرایی و جست‌وجوی دلایل شکل‌گیری و بقای آن از دیدگاه جامعه‌شناختی، به صورت کتاب‌خانه‌ای و با تحلیل پژوهش‌های انجام شده و مشاهده‌های میدانی نگاشته شده است.

### جایگاه اجتماعی پوشش

الگوی پوشش و کیفیت لباس در هر جامعه، بیش از آن‌که از شرایط اقلیمی، موقعیت تمدنی، اوضاع اقتصادی، نظام سیاسی، موقعیت سنی، جنسی و شغلی افراد، خواسته‌های شخصی و زیباشناختی افراد اثر بپذیرد، از ساختار باورها، ارزش‌ها، هنجارها، ایدئولوژی‌ها، الگوها، آداب و عادات‌ها و سلیقه‌های گروهی اثر می‌پذیرد. لباس، نشان‌دهنده ناخودآگاه فرهنگی جامعه است. لباس پوشیدن، نشانه اجتماعی بودن انسان است و مانند دیگر جنبه‌های اجتماعی بودن انسان بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و انتظارات جمعی، شکل می‌یابد. ضرورت هم‌نوایی با اقتضاهای فرهنگ غالب و رعایت انتظارات جمعی، کمترین هزینه‌ای است که زندگی اجتماعی در ساحت‌های مختلف بر افراد تحمیل می‌کند. این هم‌نوایی برخلاف تصویر خام و ابتدایی آن، به معنای پذیرش قطعی اشکال متعین و تمکین بی‌چون و چرا در برابر الزامات انعطاف‌ناپذیر و تسلیم شدن در برابر اراده و خواست جمعی نیست، بلکه به معنای هم‌نوایی صوری، تشبه و هم‌آوایی ظاهری و تخلف نکردن آشکار از حداقل‌های هنجاری جامعه است. در حوزه پوشش نیز جامعه، انتظار خویش را نه در چارچوب قالب‌های معین، بلکه در قالب گزینه‌های متنوعی مطرح ساخته است که امکان اعمال‌گزینش‌های فردی همواره وجود خواهد داشت.

در جامعه ما، به دلیل حساسیت‌های خاص درباره الگوی پوشش بانوان گزینه‌های محدودتری فراروی آنها قرار دارد و دخالت سلیقه کمتر است.

به دلیل الزامات ارزشی و هنجاری جامعه، پوشش، اجباری و گریزناپذیر است و افراد در هر شرایطی باید از آن برخوردار باشند. رعایت این حداقل، نیازمند حضور و مشارکت اجتماعی است و رعایت نکردن آن، به عنوان تخلف اجتماعی، واکنش‌هایی را برخواهد انگیزد. درجه این واکنش را میزان حساسیت و آستانه صبر جامعه تعیین خواهد کرد. هر جامعه به طور متوسط، از میزانی از تخلف و ناهم‌سویی، با نگاه به سطح انتظار، در همه عرصه‌های رفتاری از جمله پوشش، چشم‌پوشی و آن را تحمل می‌کند یا واکنش به آن را بنا به ملاحظات به تأخیر می‌اندازد. باید دانست اعضای جامعه میان ارزش‌های مسلط و ارزش‌های ثانوی یا مدل‌های پذیرفته شده و تحمیل شده، حق انتخاب اجمالی دارند. پیوستگی با هنجارها و ارزش‌های جمعی اجباری نیست، بلکه موجب ایجاد محدودیت در مسیر انتخاب و تصمیم‌های اجتماعی خواهد شد. هم‌نوایی نسبی با محیطی معین، همواره با امکان استفاده از حاشیه آزادی و برخورداری از خودمختاری همراه خواهد بود. از این رو، رخ دادن رفتارهای ناهم‌خوان و ناهم‌سو با انتظارات جامعه و ظرفیت‌های هنجاری آن، چندان خلاف انتظار نیست.

### هنجار پوشش

نابهنجار دانستن یک رفتار هنگامی عقلانی است که از قبل، شکل قاعده‌مند آن متناسب با معیارهای مشخص، معلوم شده باشد. از این رو، معرفی قلمرو حجاب مقدم بر تعیین حدود نقیض آن؛ یعنی بی‌حجابی است. حجاب از رفتارهای بهنجار و ارزشی و از ضروریات و مسلمات اسلام است. بر اساس آنچه در رساله‌های عملیه مراجع تقلید بیان شده و قوانین موجود کم و بیش با ارجاع به آن تنظیم و تصویب شده و عرف عام جامعه بر اساس آن رقم خورده، حجاب در قالب هنجاری زیر صورت‌بندی شده است:

زن باید بدن خود را از نامحرم بیوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده،



ولی خوب و بد را می‌فهمد (و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است) پوشاند.<sup>۱</sup>

البته گردی صورت و دست‌ها تا میچ از این قاعده مستثنا است.

### تعریف بی‌حجابی

با توجه به مباحث یادشده، بی‌حجابی به معنای نداشتن پوشش متناسب با استانداردهای متعارف عرف عام و الگوی برگرفته از فقه اسلامی است. از این رو، پوشیدن لباس‌های تنگ، بدن‌نما، تحریک‌کننده و بدشکل، پوشیده نبودن برخی مواضع نیازمند پوشش، آرایش نامناسب و نداشتن وقار لازم در اجتماع را می‌توان در مقوله بدحجابی گنجانند. در این میان، برجسته‌ترین مصداق بی‌حجابی که همگان تلقی مشترکی از آن دارند، به پوشش برمی‌گردد و همان نداشتن پوشش مناسب است. به عبارت دیگر، اگر بی‌حجابی را پدیده‌ای دارای جلوه‌های متنوع بدانیم، آن‌چه پیش از هر چیز از این واژه به ذهن می‌رسد، نداشتن پوشش مناسب است.

### آسیب‌شناسی حجاب

از منظر آسیب‌شناختی، بی‌حجابی از مصداق‌های انحراف و کج‌روی است. بی‌حجابی، رفتاری ناسازگار با هنجارها و انتظارات جامعه،<sup>۲</sup> خلاف فرهنگ جاری و قانون‌مندی‌ها و انتظارات مطلوب جامعه<sup>۳</sup> و موجب تنش‌ها و تضادهایی است که به نگرش‌های سرزنش‌آمیز می‌انجامد و واکنش‌هایی نظیر مجازات، طرد و انزوا را به همراه دارد.<sup>۴</sup> به تعبیر دیگر، هرگاه «رفتار افراد

۱. توضیح المسائل مراجع عظام، مسئله ۲۴۳۵.

۲. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۱۵.

۳. شیخی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، ص ۱۰۹.

۴. منوچهر محسنی، مقدمات جامعه‌شناسی، ص ۲۸۳.

جامعه با هنجارها، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی جامعه در تعارض و تضاد باشد، رفتار اجتماعی، رفتاری نابهنجار خواهد بود؛ زیرا بین خواسته‌ها، نیازها و آرمان‌های اجتماعی سیستم موجود و افراد جامعه هم‌آهنگی دیده نمی‌شود و در این حالت، روابط اجتماعی، تنش‌زا و ستیزآمیز است.<sup>۵</sup>

از دید جامعه‌شناختی، عمل انحرافی و کج‌روانه را صرف نظر از شدت و ضعف آن می‌توان با ویژگی‌هایی هم‌چون مخالفت با ارزش‌ها و هنجارها، نقض عرف و رسوم پذیرفته‌شده، ناهم‌گونی با انتظارات جامعه و فرهنگ غالب، نامتعارف بودن، حساسیت برانگیزی و واکنش‌زایی، ارزش منفی داشتن، اخلال‌گری در نظم آیینی و آماج نیروهای نظارتی و کنترلی جامعه قرار گرفتن، می‌توان تشخیص داد.

از منظر حقوقی نیز ناهم‌سوایی یا مخالفت با هنجارهای قانونی معتبر جامعه، جرم و سزاوار مجازات‌های متناسب خواهد بود. از این رو، نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی، آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود.

قانون مجازات اسلامی، در تبصره ماده ۶۳۸ در بیان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، بی‌حجابی را جرم سزاوار مجازات شمرده است و می‌نویسد:

زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی، ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

در قانون رسیدگی به تخلفات استفاده‌کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸) مجلس شورای اسلامی و نیز ماده ۴ قانون البسه مبتذل در بیانی مشابه آمده است:

کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و هتک عفت عمومی

باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌ها محکوم می‌گردند. مجازات این اشخاص، حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و یا ۷۴ ضربه شلاق با یک یا دو مجازات مذکور می‌باشد».

قانون تعزیرات اسلامی نیز بی‌حجابی را در کنار برخی رفتارهای هم‌سنخ از جمله انحراف‌ها، سزاوار برخورد قضایی دانسته است که آن رفتارها عبارتند از: رعایت نکردن حجاب در معابر عمومی (ماده ۶۳۸)، انجام فعل حرام (ماده ۶۳۸)، تشویق یا انجام فساد و فحشا (ماده ۶۳۹)، استفاده از وسایلی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند (ماده ۶۴۰) و هرگونه عملی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌سازد. (ماده ۶۴۰)

از این رو، بی‌حجابی به اعتبار نقض هنجارهای اجتماعی، کج‌روی و انحراف و به اعتبار ناهم‌سویی و تخلف از قوانین نظام، جرم شمرده می‌شود.

### ریشه‌های بی‌حجابی

برای بی‌حجابی، دلایل بسیاری را می‌توان برشمرد. این عوامل را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به بیولوژیکی یا روانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تقسیم کرد. به عبارت دیگر، این پدیده را با ارجاع به چهار دسته عامل یاد شده به پنج صورت می‌توان تبیین کرد. از آن‌جا که ملاک تبیین، بیان ارتباط علی و معلولی (تعلیل) میان پدیده‌هاست، نوع تبیین تابع نوع علت خواهد بود. برای مثال، اگر علت از سنخ امور فرهنگی باشد، تبیین نیز فرهنگی خواهد بود. اکنون این موارد را برمی‌شماریم:

#### ۱. بیولوژیکی یا روانی

عوامل بیولوژیکی یا روانی، به زمینه‌های زیستی و خواسته‌های طبیعی

فرد گفته می‌شود که معمولاً میان افراد مشترک است. از جمله زمینه‌های بیولوژیکی مرتبط با مقوله پوشش می‌توان از میل به خودنمایی، تبرج، تزئین، تجمل، خودآرایی، تمایل شدید به جلب توجه دیگران به ویژه در دوره جوانی، به رخ کشیدن زیبایی‌ها، میل به برانگیختن احساسات مثبت دیگران، کسب آرامش و امنیت در پرتو تحسین و تمجید دیگران، لذت جویی، میل به تظاهرات جنسی و جلب جنس مخالف، نیاز به ابراز وجود و متمایز نشان دادن خود و امیال مشابه نام برد. بدیهی است این سنخ تمایل‌ها هم چون دیگر تمایل‌های طبیعی، در پرتو فرهنگ و نظام ارزشی جامعه، شکل و جهت می‌یابند و در مجاری و قالب‌های خاصی جلوه گر می‌شوند. به عبارت دیگر این تمایل‌ها در پرتو ترکیب طبیعت و فرهنگ، سامان خواهند یافت. استاد مرتضی مطهری در توضیح این گونه تمایلات می‌نویسد:

... زن همیشه می‌خواهد مطلوب و معشوق مرد باشد. جلوه‌گری‌ها، دل‌بری‌ها و خودنمایی‌های زن همه برای جلب نظر مرد است. زن آن قدر که می‌خواهد مرد را عاشق دل‌خسته خویش کند، طالب وصال و لذت جنسی نیست... زن، مظهر جمال و مرد، مظهر شیفتگی است... تمایل مرد به نگاه کردن و چشم‌چرانی است، نه به خودنمایی و برعکس، تمایل زن بیشتر به خودنمایی است، نه به چشم‌چرانی... و به همین جهت، تبرج از مختصات زنان است.<sup>۶</sup>

بی‌گمان یکی از گونه‌های جلوه‌نمایی در نوع پوشش است. عوامل بیولوژیکی و روانی بی‌حجابی را می‌توان چنین برشمرد:

### الف) احساسگرایی خام

برخی نظریه‌های روان‌شناختی انحراف، انحراف‌ها و کج‌روی‌های افراد



به ویژه جوانان را ناشی از اراده و تصمیم آگاهانه به هنجارشکنی، میل به برانگیختن واکنش‌های جمعی، پشت پا زدن به سنت‌های اجتماعی یا تلاش برای جای‌گزینی ارزش‌های فرهنگی نمی‌دانند، بلکه بیشتر نشانه احساس‌گرایی خام، هواخواهی، خودنمایی، لذت‌جویی و امثال آن می‌دانند. «نمی‌توان تصور کرد که انسان همیشه به شکل عقلانی، اعمالی را انتخاب کرده و انجام می‌دهد. می‌توان موارد زیادی از انحراف را در نظر گرفت که محاسبه و انتخاب سود و زیان در آن مطرح نیست. افراد ممکن است تحت تأثیر احساسات لحظه‌ای یا عوامل غیر عقلانی مرتکب جرم و جنایت شوند. به طور قطع می‌توان گفت که رفتار انسان از پیچیدگی زیادی برخوردار است.»<sup>۷</sup>

### ب) اختلال شخصیت نمایشی

یکی از نظریه‌های روان‌شناختی انحراف، نظریه موسوم به «اختلال شخصیت نمایشی» است. افراد مبتلا به این بیماری خواهان جلب توجه دیگران نسبت به خود هستند. آنان معمولاً مبتکر، نمایش‌گر، سرزنده و اغواگرند. مهم‌ترین ویژگی مبتلایان به این اختلال، تمایل شدید به خودنمایی و جلب توجه است و برای تأمین این هدف، به کارهای غیر عادی از جمله پوشیدن لباس‌های عجیب و جذاب، آرایش‌های تند و نامتعارف و ژست‌های نمایشی خاص دست می‌زنند. عواطف این افراد به شدت نمایشی و اغراق‌آمیز است. آنها شیفته مدهای جدید بوده و علاقه‌مندند تغییرهای جدید را تجربه کنند، بی‌آن‌که واقعاً به این تغییرها نیازی داشته باشند. این نوع اختلال شخصیتی، هر چند با جلوه‌نمایی‌های متفاوت، میان زنان و مردان مشترک است و معمولاً در پایان دوره نوجوانی و اوایل دوره جوانی نمود و تظاهر بیشتری می‌یابد.<sup>۸</sup> بر اساس این نظریه، دوشیزگان و بانوان جوانی که پیاپی و

۷. فریده ممتاز، انحرافات اجتماعی، ص ۱۲۷.

۸. هدایت‌الله ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۲۱.

در راستای ارضای تمایل سیری ناپذیر خود به نوگرایی و تنوع خواهی، به استقبال الگوهای نورس می‌روند و مایلند همواره خود را در قالب فرم‌ها و نقاب‌های جدید عرضه کنند، دچار اختلال شخصیتی هستند.

## ۲. فرهنگی

تبیین «بی‌حجابی» هنگامی فرهنگی خواهد بود که «علل» (متغیرهای مستقل) یا فرآیند (زنجیره متغیرهای مستقل به علاوه متغیرهای میانجی و واسطه‌ای) این پدیده همگی از سنخ فرهنگ (معانی نمادین هم چون باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و...) باشند. به عبارت دیگر، تبیین فرهنگی به ایده‌ها و انگیزه‌های کنش‌گران و مفاد معنوی یا فرهنگی آنها (مثل مذهب و ایدئولوژی) و در یک کلام، با ذهنیت کنش‌گران اجتماعی کار دارند. امور فرهنگی هر چند ذهنی‌اند، شخصی و فردی نیستند و نقش آفرینی نمادین آنها که لازمه ارتباط و تعامل میان افراد است، بر اجتماعی بودنشان دلالت دارد.

### الف) جامعه‌پذیری ضعیف یا ناهم‌گون

اساس جامعه‌پذیری بر این واقعیت استوار است که انسان به صورت کانونی از استعدادها و سرمایه‌های وجودی بالقوه به دنیای اجتماعی پا می‌گذارد و از راه تعامل مستمر با محیط و درون‌ریزی مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها، آرمان‌ها، هدف‌ها، رسوم، قواعد و هنجارها از طریق کارگزاران ویژه هم‌چون خانواده، گروه‌های دوستی، محیط‌های آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، محیط‌های کاری، مطبوعات، کانون‌های مذهبی و مانند آن، به تدریج به انسانی بالفعل تبدیل می‌شود. این فرآیند تعطیل‌ناپذیر، از اولین مراحل زندگی آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه خواهد داشت. جامعه‌پذیری، دو فرآیند مکمل یعنی انتقال میراث فرهنگی

اجتماعی و رشد و تکامل شخصیت فردی را دربرمی گیرد. جامعه شناسان، بسیاری از انحراف های اجتماعی را به کاستی ها و ضعف این فرآیند مهم شخصیت ساز مستند می دانند. بدون شک، بدحجابی دختران و زنان در سن بالا نیز در نارسایی های این فرآیند و القاهای محیط خانواده، دوستان، محیط های آموزشی، رسانه جمعی و محیط عمومی ریشه دارد.

رسوبات فرهنگی به جا مانده از اعمال سیاست های دستوری ناسنجیده گذشته هم چون قضیه کشف حجاب و سیاست های ژریم طاغوت برای گسترش و نهادینه کردن آن در ذهنیت فرهنگی و اصرار برخی علاقه مندان به پاس داشت و استمرار آن از طریق پیوست های میان نسلی نیز در این زمینه نقش داشته است. اجرای این سیاست تخریبی در یک دوره چهل ساله آن هم با انگیزه های کینه توزانه، موقعیت حجاب را به شدت تضعیف کرده است. محمود جم، وزیر کشور کابینه محمدعلی فروغی در خاطرات خود به نقل از رضاشاه پهلوی می نویسد:

این چادر و چاقچورها را چه طور می شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع، فکر مرا به خود مشغول داشته. از وقتی که به ترکیه رفتم و زن های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کنار می کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود، بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم ماست. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط با آن نشتر زد و از بینش برد. من مدتی است به این فکر هستم که زن ایرانی در قفس سیاه دست و پایش بسته است. بین او و مرد یک دریا فاصله وجود دارد. باید این فاصله را از بین ببریم. مگر زن چی از مرد کمتر دارد. او باید پایه پای مرد وارد زندگی شود...<sup>۹</sup>

۹. به نقل از: سید حسام الدین شریعت پناهی، اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص ۲۹۲.

## ب) القاهای فرهنگی مسموم دشمنان

«ترسیم تصویر یک مسلمان محجبه، یکی از رایج ترین شیوه‌های رسانه‌های غربی برای مشکل دار معرفی کردن اسلام است... با نگاهی اجمالی به سخنان غربی‌ها در مورد حجاب می‌توان دریافت که آنها معتقدند حجاب، نشانه ظلم اسلام به زنان است... با نگاهی گذرا به نوشته‌های غربی‌ها می‌بینیم که آنها برای توصیف حجاب زنان مسلمان از واژه‌هایی چون «کفن»، «لباس مزور» و «حجب و حیای سیاه» استفاده می‌کنند. به طور کلی، واکنش‌های غرب نسبت به حجاب در یکی از دو دسته زیر قرار می‌گیرد؛ دسته اول، تفسیری کینه‌توزانه از حجاب [است] که آن را نشانه آشکار ظلم اسلام به زنان می‌داند و دسته دوم، دیدگاهی خیال‌پردازانه است که حجاب را جزئی از سنن بیگانه شرقی می‌داند که خواهان فروکش کردن لذت جنسی است.»<sup>۱۰</sup>

## ج) کم‌رنگی تعلق به فرهنگ خودی و توجه بیشتر به دیگر فرهنگ‌ها

«تغییر لباس همواره پی‌آمد تغییر یک فرهنگ است و انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند، نمی‌تواند با لباس خود وداع کند [و] تا فرهنگ یک قوم را نپذیرد، لباس آنان را به تن نمی‌کند. درست به همین دلیل است که در احادیث ما آمده است که «من تشبه بقوم فهو منهم؛ هر که خود را به گروهی شبیه سازد، هم از آن گروه است». لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می‌کند که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند، هم‌چنان‌که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می‌کند. هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش‌ها و بینش‌ها، معتقد و دل‌بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش‌ها و بینش‌ها را از تن به در نخواهد کرد.»<sup>۱۱</sup>

۱۰. جمعی از نویسندگان، اسلام؛ جهانی شدن و پست مدرنیته، ص ۳۲۲.

۱۱. غلام‌علی حدادعادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.

### د) ضعف اعتقاد یا باورنداشتن به اعتبار معیارهای متعارف

تردید نیست که افراد در مورد اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات معمول، موقعیت متفاوتی دارند. به طور طبیعی، درجه التزام و هم‌نوایی را میزان اعتقاد فرد تعیین می‌کند. کسی که به هر دلیل، به یک نظام هنجاری اعتقادی نداشته باشد، در هم‌نوایی و پیروی از آن نیز تعهدی احساس نخواهد کرد. دیوید متزا همانند دیگر پدیدارشناسان بر این باور است که برای درک کچ‌روی باید به ذهن فاعل و زندگی فلسفی درونی او مراجعه کرد. کچ‌روی اصولاً کاربرد اعتقاد در عمل است. فرد کچ‌رو از ارزش‌هایی پنهانی پیروی می‌کند که هر چند با ارزش‌های مرسوم در جامعه رابطه دارند، ولی به شکل متفاوتی پذیرفته شده‌اند.<sup>۱۲</sup>

### ه) بحران‌های هویتی

برخی تحلیل‌گران فرهنگی بر این باورند که جامعه ما مسخر سه جریان مختلط فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است که در عرصه‌های مختلف با نسبت‌های ترکیبی متفاوت حضور دارند و خودنمایی می‌کنند. در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب، هر چند بعد اسلامی فرهنگ، گسترش و چیرگی در خور توجهی یافت، به مرور زمان و تحت تأثیر برخی رخ‌دادها، دو لایه به حاشیه رانده شده دوباره به صحنه آمدند و در قالب‌های دیگری بازتولید شدند. اولین نتیجه حاصل از زیستن در چنین فضای مختلطی، هویت‌یابی چندگانه و پی‌آمدهای شخصیتی رفتاری آن است. «جوان ایرانی دچار نامتعادلی و ناهم‌خوانی در آگاهی‌های خود شده و با ایجاد شدن تزلزل در شخصیت که ناشی از آگاهی‌های ناکافی یا متضاد است، دچار بحران هویت می‌شود. برخی از نشانه‌های این بحران چنین است: کاسته شدن تمایلات دینی و مذهبی

۱۲. فریده ممتاز، انحرافات اجتماعی، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

در جوانان که بارزترین این امر، در کم توجهی آنها به مسائل شرعی در اجتماع، ... افزایش روی آوردن به موسیقی‌های غربی، زیادشدن فاصله آنها نسبت به تعهدات اجتماعی و خانوادگی، گسترش خانواده‌های هسته‌ای، روی آوردن به مدل‌ها و آرایش‌های ظاهری غربی... همه اینها ناشی از گسستگی هویتی جوانان با هویتی پایا و پویاست. «۱۳»

### (و) چیرگی تلقی‌های ناهم‌گون

وجود برخی ذهنیت‌ها مانع درک دقیق فلسفه وجودی حجاب و التزام به رعایت آن شده است. این موارد را می‌توان چنین برشمرد: حجاب، یادگار دوران گذشته و مقوله‌ای تاریخ مصرف گذشته؛ حجاب، محصول احساس حقارت ناشی از تبعیض‌های خانوادگی؛ حجاب، محصول اصول اخلاقی و انضباطی مردسالار سنتی؛ حجاب، نماد ضعف کنترل و خویشتن‌داری مرد؛ حجاب، محصول علاقه‌مندی زن به ریاضت و رهبانیت؛ حجاب، وسیله‌ای برای سرکوب تمایلات طبیعی؛ الزام به حجاب، منافی حقوق اجتماعی و آزادی زن؛ حجاب، یادگار دوره نبود امنیت اجتماعی برای زن؛ بی‌حجابی را جرم نه که گناه پنداشتن؛ تقدّم جنبه آرایشی لباس بر جنبه پوششی آن (حال آن که الزام به حجاب، جنبه پوششی لباس را بر جنبه آرایشی آن مقدم داشته است)؛ حجاب، رسمی فرهنگی، عرفی، متغیر و تابع زمان و مکان؛ حجاب، از نمادهای عفاف سفارش شده برای زن به عنوان یک مقوله روانی (آن هم نه تنها نماد ممکن و نه برترین آن)؛ حجاب، الزامی صرفاً دینی و تکلیفی برای مؤمنان، نه عموم توده‌ها؛ حجاب، امری فردی و معاف از الزامات اجتماعی و حکومتی؛ حجاب، محصور کردن زنان در چادر و چاقچور با رنگ‌های تیره که مایه سلب نشاط و شور حیات از آنان و نابودی غریزه خودآرایی و زینت‌طلبی زنان است که ۱۳. غلام ابراهیم پورآهنگر، تأثیر ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی بر بحران هویت، ص ۱۱۹.

عامل رونق بخشیدن به زندگی آنهاست؛ حجاب، عامل افزایش حرص انسان‌ها و التهاب بیشتر جنسی است چون «الانسان حریص علی ما منع».

پذیرش هر یک از چنین پندارهایی به تنهایی می‌تواند پایه و بنیان حجاب را متزلزل سازد و انگیزه التزام به آن را تضعیف کند. در ادامه این بخش، ذکر نمونه‌ای از این برداشت‌های عصری و تفسیرهای عجیب و غریب بی‌مناسبت نخواهد بود:

اگر حجاب، پاسخ به تجاوز جنسی تعرض است، بازتابی از شرایط خشونت بار آن زمان نیز هست. بازتاب آن تفکر و شرایطی که بدن زن را به معنای دقیق کلمه، «عریان»، بی‌دفاع و آسیب‌پذیر می‌دانست. حجاب زنان آن‌طور که در مدینه در شرایط جنگ داخلی مطرح شد، نشان‌دهنده شرایط معابر عمومی است، یعنی جایی که در آن زنا آزاد بود. اصطلاح تعرض به معنای خشونت، فشار و محدودیت است... در گيرودار مبارزات، تنش‌ها و کشمکش‌های پیامبر میان این دو بینش، یعنی ایجاد جامعه‌ای که زنان بتوانند آزادانه در شهر حرکت کنند (زیرا در اسلام، کنترل اجتماعی همان ایمان است که امپال را مهار می‌کند) و تفکر و شیوه منافقان که زنان را فقط وسیله (اعمال) خشونت و حسادت محسوب می‌کردند، بینش دومی غالب شد. حجاب، نشان‌دهنده پیروزی منافقان بود. ۱۴

### (ز) برداشت محدودیت‌آفرین از حجاب

یکی از برداشت‌هایی که شاید بیش از دیگر تلقی‌های یاد شده، مستند منتقدان قرار گرفته، جنبه محدودسازی و مانع‌تراشی حجاب در فرآیند فعالیت‌های اجتماعی است. تردیدی نیست که حجاب به ویژه شکل کامل آن؛

۱۴. فاطمه مرنیسی، زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن پوش، ترجمه: ملیحه مغازه‌ای، ص ۲۶۷.

یعنی چادر، محدودیت‌هایی را برای انجام برخی فعالیت‌ها بر زن تحمیل می‌کند، ولی این محدودیت چندان بازدارنده نیست و با توجه به آثار مهم مترتب بر حجاب، پذیرش این نوع محدودیت‌ها، توجیه‌پذیر خواهد بود. یونی ویکن در بیان دیدگاه برخی از اندیش‌مندان غرب نسبت به حجاب می‌نویسد:

حجاب به خاطر محدودیت‌هایی که بر سر راه فعالیت‌ها و استقلال زنان ایجاد می‌کند، ذاتاً سرکوب‌گر و در نتیجه، ظالمانه است. ۱۵

استاد مطهری در پاسخ به این گونه شبهه‌ها می‌نویسد:

اگر زن مرض نداشته باشد و نخواهد لخت بیرون بیاید، پوشیدن یک لباس ساده که تمام بدن و سر جز چهره و دو دست تا مچ را بپوشاند، مانع هیچ فعالیت بیرونی نخواهد بود، بلکه بر عکس، تبرج و خودنمایی و پوشیدن لباس‌های تنگ و مدهای رنگارنگ است که زن را به صورت موجودی مهمل و غیر فعال درمی‌آورد که باید تمام وقتش را مصروف حفظ پوزیسیون خود کند... ۱۶

### ح) چرخش‌های هنجاری جامعه

برخی جامعه‌شناسان، کاهش انگیزه التزام عملی به رعایت حجاب شرعی و افزایش آمار بدحجابان و بی‌حجابان را ناشی از روی دادن برخی تحولات اساسی در نظام هنجاری جامعه می‌دانند. «۲/۸۶ درصد از پاسخ‌گویان (۳/۴۰+۴۰/۳۰+۵/۱۵) معتقد بودند که در سال ۶۵، عدم رعایت حجاب از نظر مردم عیب داشت. یعنی خانم‌ها به علت این که احساس می‌کردند مردم از بی‌حجابی خوششان نمی‌آید و احتمال دارد به آنها به گونه‌ای توهین (مجازات) شود، بیشتر حجاب را رعایت می‌نمودند. این بدان معناست که در

۱۵. کتاب زنان، ص ۳۱۰.

۱۶. مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۵۱۱.



آن زمان، یک کنترل درونی در مورد ارزش های انقلابی مذهبی وجود داشت و قبح آن نریخته بود و مسئولان مجبور نبودند با فشار، اجبار و توبیخ، اکثریت خانم ها را به رعایت حجاب وادارند. برای سال ۷۱، این ارزیابی به ۵/۴۱ درصد می رسد. هم چنین ۸/۸۱ درصد از پاسخ گویان معتقد بودند که مردم جامعه در سال ۶۵ به خانم های چادری احترام می گذاشتند، در حالی که این رقم برای سال ۷۱ به ۸/۳۶ درصد می رسد. در چنین وضعیتی، در شرایط بی مهری، سرکوب اجتماعی و عکس العمل های پرخاش گرانه به دارندگان نمادهای مذهبی، در واقع، نیاز به احترام و عزت نفس افراد خدشه دار می شود و آنها در پی کسب احترام، خود را با فشار هنجاری تطبیق داده، حجاب و ریش و دیگر سمبل های مذهبی، نظیر رفتن به مسجد را کنار می گذارند.<sup>۱۷</sup>

(ط) بی توجهی به پی آمدهای منفی بی حجابی

توجه نکردن به آثار و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب و کارکردهای منفی رعایت نکردن آن، نقش بسیار مهمی در سرپیچی از آن دارد. منتسکیو در تحلیلی کارکردگرایانه می نویسد:

از دست رفتن عفت زنان به قدری تأثیرات بد دارد و به اندازه ای نواقص و معایب تولید می کند و طوری روح مردم را فاسد می نماید که اگر کشوری دچار آن گردد و این اصل مهم از بین برود، بدبختی های زیادی از آن ناشی می گردد، به خصوص در حکومت دموکراسی، از دست رفتن عفت، بزرگ ترین بدبختی ها و مفاسد را باعث می شود تا جایی که اساس حکومت را از بین خواهد برد. به این جهت، قانون گذاران خوب، عفت را توصیه و از زنان توقع وقار در اخلاق را دارند.<sup>۱۸</sup>

۱۷. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۱۸. منتسکیو، ص ۲۲۶.

### ی) وجود تفسیرهای مضیق از ممنوعیت های شرعی

«واقعیت این است که مستندات فراوانی در منابع معتبر فقهی وجود دارد که بیشتر مصادیق آنچه را امروز با عنوان «بدحجابی» ممنوع شناخته می‌شود، مباح و جایز دانسته است. از سوی دیگر، با وجود گسترش مصادیق ممنوعیت و محرومیت برای نحوه پوشش و آرایش زنان در قانون، عملاً در جامعه، هر روز شاهد فراتر رفتن مرزهای حجاب از چارچوب های یاد شده هستیم.<sup>۱۹</sup>

### ک) غرب گرایی و هم‌سویی الگویی با فرهنگ غرب

خودباختگی و خود کم‌پنداری در برخورد با فرهنگ غرب، تأکید افراطی بر ارزش های مادی و ظاهرگرایانه، توجه به جنبه های بدنی و جسمی و غفلت از ابعاد روحانی و معنوی در این بخش می‌گنجد.

### ل) شکاف فرهنگی میان نسل ها

م) نبود الگوهای پوششی متنوع متناسب با نیازها و ضرورت های عصری و انتظارات انسان معاصر

ن) قرار گرفتن در معرض جریان های فرهنگی ناهم‌گون، زندگی در وضعیت برزخی میان سنت گرایی و مدرنیسم و ابتلای قهری به تشویش هنجاری و الگویی

س) توجه نکردن به مشاع بودن فضای اجتماعی و حریم عمومی و ضرورت تامین انتظارات بین الاذهانی

ع) ضعف بنیادهای فرهنگ دینی در حوزه باورها، ارزش ها، هنجارها و رفتارها و تربیت اخلاقی متناسب با حساسیت های دینی

ف) غلبه ذهنیت یا فرهنگ تشابه‌انگار و توجیه نکردن پذیرش تمایزات الگویی در حوزه پوشش

برخی پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که هم‌بستگی بالایی میان نوع پوشش مادر و دوستان فرد با پوشش خود فرد وجود دارد. ۷/۹۰ درصد دختران مادرانی که دارای پوشش روسری، مانتو و شلوار بودند چنین پوششی داشتند و ۷/۵۰ درصد فرزندان مادران چادری نیز پوششی مشابه داشتند. هم‌چنین حدود ۷۰ درصد از دخترانی که صمیمی‌ترین دوستانشان دارای چادر بودند، چنین پوششی را برگزیده بودند و ۷۳ درصد از دخترانی که نزدیک‌ترین دوستانشان دارای روسری و مانتو و شلوار بودند، خود همین گونه بودند.

ص) مدگرایی و تنوع خواهی و بی‌توجهی به آیین‌های تک‌هنجار سستی و

غلبه استحسانات زمانه پسند

کاهش سلطه والدین بر فرزندان، نپذیرفتن فرهنگ سستی خانواده، تمایل به تک‌روی و الگوگزینی خودمختارانه، نفرت از برخی فشارهای ناسنجیده خانواده‌های مذهبی نیز یکی دیگر از عوامل فرهنگی بدحجابی است.

### ۳. اجتماعی

عوامل اجتماعی بیشتر ناظر به عمل کرد محیط عمومی نهادها، سازمان‌ها، گروه‌ها و تعامل‌های اجتماعی است. بی‌شک، وجود کاستی‌ها، آشفتگی‌های کاری‌ها و مشکلات خاص در روند فعالیت نهادها، اجتماعی، در پیدایش بخشی از بی‌حجابی موجود مؤثر بوده است.

#### الف) نپذیرفتن وضعیت موجود

هنگامی که فرد به هر دلیل، از در ناسازگاری با گفتمان غالب بر جامعه خویش برآمده باشد، به راحتی به نقض قواعد و معیارهای پذیرفته شده دست می‌زند. «در بیشتر موارد، رفتارهای پاتولوژیک می‌تواند ناشی از سرخوردگی،

اضطراب و احساس ناامنی باشد که نزد دیگران، میل به اصلاح اجتماعی یا نوآوری را سبب می‌شوند. در پس رفتارهای ضداجتماعی، نوعی عدم قبول جامعه موجود قرار دارد... «<sup>۲۰</sup> به عبارت دیگر، ضعف تعلق و تعهد فرد به جامعه، در قالب بی‌توجهی به تمایلات و انتظارات جمعی و نقض قواعد و هنجارهای اجتماعی متعارف متبلور می‌شود.

### ب) وابستگی ذهنی به جامعه مرجع

مورد دیگری که مکمل مورد قبل است، این است که فرد در مواردی و به دلایل مختلفی، عمل کردن بر اساس ارزش‌ها، هنجارها، الگوها و مدل‌های رفتاری جامعه آرمانی و ایده‌آل خویش که به هم‌نوایی و پذیرش جهان زیست آن تعلق خاطر عمیق دارد، بر قرینه‌های محیط خویش ترجیح می‌دهد. این هم‌نوایی موضعی و فارغ از مساعدت‌های محیطی، تنش‌های روانی و فشارهای اجتماعی سختی را متوجه فرد می‌سازد، ولی می‌تواند هرچند به طور مصنوعی، ارضاکنده و اشتیاق‌زا باشد. شواهد موجود نشان می‌دهد که بیشتر افراد بدحجاب و بی‌حجاب، خواسته یا ناخواسته، به فرهنگ‌ها، نظام‌های بینشی و گرایشی و الگوهای دل‌بسته‌اند که با فرهنگ و ارزش‌ها و قواعد مسلط و جامعه اسلامی، تعارض دارند.

### ج) کم هزینه بودن انحراف

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که افراد در جامعه به تدریج و به صورت مشروط در نهادهای اجتماعی مرسوم شرکت می‌کنند و به قواعد مربوط متعهد می‌شوند. مطلوبیت این هم‌سوئی از این روست که افراد از رهگذر آن، به منافع، نتایج، اعتبارات و امتیازات خاصی دست می‌یابند که دست‌رسی به آن

به هیچ صورت دیگری، امکان ندارد. با این حال، تمایل بالقوه به انحراف و روگردانی از این تعهد همواره و در همه دوره‌ها وجود دارد. آنچه این تعهدمندی را معقول می‌سازد و ادامه آن را تضمین می‌کند، وجود تناسب منطقی میان مجموع هزینه‌ها و نتایج آن از یک سو و بالابودن هزینه‌های تخلف از سوی دیگر است. در صورتی که افراد، در منطق محاسباتی خویش، به نتایج و امتیازات این تعهدمندی توجه نکنند یا تحت تأثیر القاهای اجتماعی، هم‌سویی و پیروی از ارزش‌ها و هنجارهای جمعی را تحمیلی و توجیه‌ناپذیر بیندارند، رفته رفته تمایل به هم‌سویی کاهش می‌یابد و تمایل به سرپیچی و طرح الگوهای جای‌گزین قوت می‌گیرد. بر هم خوردن این توازن از یک سو و میل به تنوع‌طلبی و لذت‌جویی از سوی دیگر، به ویژه در شرایطی که هزینه انحراف و تخلف ناچیز باشد، کشیده شدن به انحراف را آسان می‌سازد.

#### د) ضعف کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی به عنوان نظام مکمل جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی، مجموعه سازوکارهایی است که جامعه برای پاس‌داری از ارزش‌ها و معیارهای پذیرفته‌شده و واداشتن اعضا به سازگاری و نیز و درهم شکستن اراده‌های ناهم‌سو به شیوه‌های مختلف اعمال می‌کند. بخشی از این سازوکار به صورت رسمی با وضع و اجرای قوانین به وسیله کارگزاران مسئول؛ تنبیه متخلفان به تناسب درجه انحراف و بر اساس معیارهای مقرر و با نظارت ضابطه‌مند بر اوضاع فرهنگی و اجتماعی) و بخشی به صورت غیر رسمی (شامل تذکر، توصیه، تمسخر، طرد، تهدید موقعیت و اعتبار اجتماعی و مانند آن) اعمال می‌شود. بر اساس این نظریه، جامعه هر قدر در فرآیند جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت افراد دقت به خرج دهد و نصاب تربیتی و اخلاقی و انضباط اجتماعی بالایی را در نظر داشته باشد، از طراحی و اعمال ساختارهای نظارتی و کنترلی دقیق اعم از رسمی و غیر رسمی‌گریزی نخواهد داشت؛ زیرا در هر جامعه همواره افراد

ناسازگار و متخلفی وجود دارد که می‌خواهند سرپیچی کنند. ضعف جامعه در این مورد می‌تواند افراد متمایل به انحراف را جسور سازد و به وادی انحراف بکشاند. بی‌شک، بخشی از رفتار انحرافی بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه ما در کاستی‌های موجود در سازوکارهای نظارتی ریشه دارد.

### ه) احساس تبعیض و محرومیت

تبعیض و نابرابری از مشکلات دیرآشنای زنان در همه جوامع انسانی از جمله ایران است. این مشکل در گذشته، به دلیل وضعیت خاص نظام اجتماعی و موقعیت فرودین زنان و تحت تأثیر غلبه هژمونیک برخی ایدئولوژی‌های توجیهی احساس نمی‌شد یا اگر احساس می‌شد، به دلیل وجود نداشتن مجاری لازم برای طرح خواسته‌های دموکراتیک، امکان پی‌گیری و اجرا نداشت و در هر حال، آمیدی به رفع و زوال آن نمی‌رفت. در عصر و زمان حاضر و در پی ظهور برخی ایدئولوژی‌های تشابه‌انگار، به تناسب خودآگاهی زنان و وضعیت نظام‌های اجتماعی آنها، همه تمایزهای تبعیض‌آمیز، به دست‌مایه‌ای برای اعتراض و دادخواهی و ابراز نفرت و انزجار تبدیل شده است. برخی فمینیست‌های رادیکال، کج‌روی زنان را ناشی از واکنش به استثمار و بهره‌کشی‌های ظالمانه از آنها در عرصه‌های مختلف اجتماعی از خانواده گرفته تا محیط‌های کاری و سازمان‌های هنری و اقتصادی می‌دانند. بعید نیست که بخشی از بی‌حجابی زنان در جامعه ایران نیز آگاهانه یا ناآگاهانه، پژواک تحمل محرومیت‌ها و تبعیض‌های توجیه‌ناپذیر متراکم در حافظه تاریخی آنها باشد.

### و) تنوع گروه‌های مرجع

گروه مرجع به گروهی گفته می‌شود که افراد در مقام مقایسه به آنها ارجاع می‌دهند، از آنها الگو می‌گیرند، آرزوهای خویش را در آنها تحقق یافته می‌بینند و مایلند برنامه زندگی خود را متناسب با تصویری که از ایشان دارند،

تنظیم کنند. تنوع گروه‌های مرجع در عصر و زمان ما با توجه به نقش الگویی آن‌ها، از جمله زمینه‌های پراکندگی و تنوع ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و لجام گسیختگی‌های رفتاری شده است. درباره اثرپذیری توده‌ها از هنرپیشه‌های تلویزیونی در مقوله حجاب گفته شده است:

یکی از مهم‌ترین سمبل‌های مذهبی که بر روی رفتار مردم و ارزش‌های آنها در شرایط بعد از انقلاب تأثیر داشته، حجاب و پوشش زنان است. این سمبل معرف میزان اعتقاد هنجاری (نه اعتقاد فردی) و میزان نفوذ نهاد مذهب در جامعه است. در فیلم‌های مورد بررسی [در یک پژوهش]، سنجیده شد که هنرپیشه‌ها تا چه اندازه با پوشش خود، این سمبل را گسترش می‌دهند یا برعکس کاهش آن را که به معنی تغییر ارزش‌های مذهبی است، تبلیغ می‌نمایند. البته... میزان تأثیر و تبلیغ ارزش‌ها و سمبل‌های مذهبی به جذابیت پیام‌دهنده یا هنرپیشه بستگی دارد. اگر یک هنرپیشه بدقیافه و «دافعه برانگیز» چادر سرش کند و یک هنرپیشه زیبا و مقبول جوانان، بی حجاب یا کم حجاب باشد، هر دو در جهت تغییر و تضعیف سمبل‌های مذهبی در جامعه کار می‌کنند. هنرپیشه بدقیافه با «حجاب» تداعی و متقارن می‌شود و به حجاب بار ارزشی منفی می‌دهد. هنرپیشه زیبا و مقبول به «کم حجابی» بار ارزشی مثبت می‌بخشد و در بینندگان این نوع پوشش را یک پوشش «خوب» و «مجاز» یا «مشروع» (Legitim) جلوه می‌دهد و از آن طریق در پی «هماندی» (Identification) و «تقلید» (Imitation) بینندگان از هنرپیشه‌ها، این نوع پوشش در جامعه رواج می‌یابد. در نتیجه، سمبل‌های مذهبی کاهش می‌یابند و همراه با آنها ارزشها و اعتقادات مذهبی نیز تغییر می‌کنند.<sup>۲۱</sup>

۲۱. فرامرز رفیع پور، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، ص ۲۹.

## ز) دگرگونی های فرهنگی

نفوذ فرهنگ لیبرالیستی و سلطه جهان شمول جامعه سرمایه داری و گسترش فرآیند جهانی شدن، بافت و ساختار سنتی جامعه ایران را به شدت متزلزل ساخته و در فضایی برزخی میان سنت و مدرنیسم در مداری پاندولی رها کرده است. ملموس ترین نمود این آشفتگی فرهنگی را در تظاهر رفتاری جوان ها می توان دید. برخی از این دگرگونی های فرهنگی که تحت تأثیر عناصر وارداتی رخ داده یا در حال رخ دادن است، عبارتند از: چیرگی فردگرایی و تقدم تمایلات فردی بر مصالح جمعی، میل به اباحی گری و تساهل و تسامح، تکثرگرایی، لذت جویی، تنوع خواهی، مُدگرایی، تجربه حضور در محیط های مختلط، افزایش تحریکات جنسی، احساس نیاز شدید به برقراری روابط جنسی تحت تأثیر افزایش تحریکات و التهاب های ناشی از رقیق شدن فاصله های جنسیتی، فاصله افتادن میان بلوغ طبیعی و بلوغ اجتماعی، محدود شدن امکان ازدواج در شرایط سنی مناسب، تحریک هیجان ها با وجود محدودیت در مسیر ارضای درست آنها، آنومیک شدن فضای هنجاری به دلیل گسترش جریان های فرهنگی و تجربه زیستن در فضاها ی میان فرهنگی. ابتذال در پوشش و آرایش از جمله نمودهایی است که تحت تأثیر این زمینه ها و شرایط و دیگر عوامل محیطی به ویژه در میان اقشاری که اثرپذیری بیشتری دارند، جلوه گر شده است.

## ح) اثرپذیری از شبکه های ارتباطی

شبکه های ارتباطی و گروهایی که فرد درگیر تعامل پیوسته و مستقیم با آنهاست، نقش بسیاری در الگودهی و هنجارفرستی و تثبیت هنجارها ایفا می کند، به ویژه اگر فرد برای این ارتباط، ارزش و اعتبار خاصی قائل بوده و آثار و نتایج قابل توجهی برای وی داشته باشد. از برخی پژوهش ها چنین برمی آید که هم بستگی بالایی میان نوع پوشش مادر و دوستان فرد با پوشش خود فرد وجود دارد. ۷/۹۰ درصد دختران مادرانی که دارای پوشش



روسی، مانتو و شلوار بودند چنین پوششی داشتند و ۷/۵۰ درصد فرزندان مادران چادری نیز پوششی مشابه داشتند. هم چنین حدود ۷۰ درصد از دخترانی که صمیمی ترین دوستانشان دارای چادر بودند، چنین پوششی را برگزیده بودند و ۷۳ درصد از دخترانی که نزدیک ترین دوستانشان دارای روسری و مانتو و شلوار بودند، خود همین گونه بودند. متغیر دیگر، میزان مذهبی بودن والدین است که بر شکل گیری نگرش منفی یا مثبت فرزندان نسبت به حجاب کاملاً اثر دارد. بر اساس برخی پژوهش ها، هر قدر والدین مذهبی تر باشند، نگرش دختران آنها به حجاب اسلامی مثبت تر است. از سوی دیگر، هر قدر میزان رعایت حجاب در خانواده بیشتر باشد، وضع حجاب فرزند نیز به سوی الگوی مطلوب میل می کند. ۲۲

#### ۴. سیاسی

زمینه های سیاسی بیشتر به عمل کرد نظام سیاسی کشور و سازمان های فعال در مورد حجاب و بازتاب آن در قلمروهای رفتارهای افراد و نوع تعامل میان فرد و نهاد سیاسی مربوط است. برخی کاستی ها در ایجاد زمینه و گسترش بی حجابی مؤثر بوده اند که از آن جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد:

#### الف) ضعف نگاه استراتژیک به موضوع های فرهنگی:

تبیین نکردن سیاست های فرهنگی به صورت مرحله ای و طراحی سازوکارهای لازم برای اجرایی شدن آن در همین راستاست.

#### ب) تعدد و تنوع سازمان های مسئول با فعالیت های گاه متعارض

ناهم آهنگی میان مجموعه های مدیریتی نظام و عمل کرد برخی دستگاه های فرهنگی کشور در زمینه سازی برای ابتدال و دامن زدن به برخی

۲۲. فاطمه و شمس نجف آبادی، پایان نامه «تأثیر عوامل اجتماعی (خانواده و گروه

هم سالان) بر نحوه پوشش اجتماعی دختران دبیرستانی در تهران»،

سیاست‌های ضد فرهنگی با سیاست‌های دستگاه قضایی مبنی بر جرم تلقی کردن این سنخ تظاهرات، تباین آشکار دارد.

ج) ارایه نکردن تعریف مشخص از پوشش الزامی زنان متناسب با ضرورت‌های فرهنگی جامعه اسلامی در عصر جدید و نیاز شهروندان (ضعف در هنجارفرستی) تلاش نکردن برای معرفی الگوهای پوششی متناسب با سلیقه‌های مختلف و تأکید بیش از اندازه بر گونه خاصی از حجاب (چادر) در تمامی مراکز و مناطق بدون داشتن توجیه کافی.

#### د) نداشتن تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده برای اقناع‌سازی فرهنگی

در سال‌های گذشته، شماری از نهادهای فرهنگی نظام تحت تأثیر برخی جریان‌های کور فرهنگی و سیاسی، به جای تشریح فلسفه حجاب، پاسخ‌گویی مستقیم و غیرمستقیم به شبهه‌ها، انتقال فرهنگ حجاب از طریق مجاری و کانون‌های مختلف آموزشی و تربیتی، در مسیر تأیید و تقویت اباحی‌گری و فرهنگ تساهل و تسامح به عنوان ویژگی جدایی‌ناپذیر جامعه مدنی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های اختصاصی با عنوان تکثر‌گرایی فرهنگی گام برداشتند. بی‌اعتنایی به مفاسد اخلاقی و ابتذال در پوشش و آرایش در سازمان‌های دولتی، استفاده از زنان و دختران جوان در روابط عمومی‌ها و بخش‌های پررفت و آمد اداری، سوءاستفاده از جاذبیت‌های زنان در فعالیت‌های هنری و اقتصادی، ترویج ضمنی فرهنگ تشابه‌محور و بی‌توجهی به تفاوت‌های زنانه و مردانه در سطوح مختلف، اعطای مجوز چاپ و انتشار به رمان‌های جنسی و دیگر آثار تابوشکن و ابتذال‌آفرین، تولید و پخش فیلم‌های عشقی و آهنگ‌های محرک و مهیج، برگزاری مجالس لهو و لعب، ترویج هنر مبتذل، میدان دادن به حضور چهره‌های لایبالی در برخی کانون‌های اثرگذار، تولید و عرضه لباس‌های نامناسب، نظارت نداشتن بر گذرگاه‌های ورودی لباس خارجی، ترویج فرهنگ اختلاط به ویژه در رسانه‌های تصویری، تجویز و توصیه روابط پیش از ازدواج، تزریق فرهنگ کلان‌شهرها و طبقات بالای جامعه به سراسر جامعه و به

طور کلی، میدان دادن به طرح استانداردهای جدید و ایجاد تشویش در ذهنیت هنجاری جامعه، بخشی از نتایج این سهل انگاری هاست.

ه) بی توجهی به جنبه های اخلاقی و تربیتی حجاب و پی آمدهای منفی رعایت نکردن آن

نهادهای مسئول نهادینه سازی حجاب با محدود ساختن وظایف خود به تنظیم قوانین و تعیین مجازات های قانونی بدون تلاش برای طراحی ساختارهای تکمیلی، آنان را از جنبه های اساسی حجاب غافل ساخته است.

و) تلقی نکردن بدحجابی و بی حجابی به عنوان معضل اجتماعی و مؤلفه امنیتی و تلاش منسجم در برخورد اصولی با آن به ویژه از طریق تشدید فشارهای محیطی و بالا بردن هزینه های رسمی مخالفت با هنجارهای پذیرفته شده

ز) کم توجهی به الگو سازی و معرفی الگوها و اسوه های هم سو با ارزش ها و حساسیت های فرهنگی و متناسب با نیازها و تمایلات نسل جوان

برای زدودن انحصار از برخی چهره های ساختگی رسانه ای که بیشتر هم ناهمگون و غیر ارزشی هستند، تلاشی صورت نگرفته است. در برنامه ریزی همه جانبه برای مبارزه فعال با تهاجم فرهنگی غرب به ویژه در مقوله الگوها و سبک پوششی و آرایشی نیز جدیت چندان به چشم نمی خورد.

ح) توجه ناکافی به نقش و اهمیت ساختارهای نظارتی و کنترلی غیر رسمی و برنامه ریزی مناسب برای بهره گیری از مشارکت جمعی در حل معضل های اجتماعی هم چون امر به معروف و نهی از منکر

ط) برخورد نکردن با گروه های قارچ گونه، افراطی، خشن و ناآشنا با سیاست تربیتی اسلام

که با رفتارهای شتاب زده و ایجاد حساسیت های مقطعی و سلیقه ورزی های ناسنجیده به بهانه احیای سنت «نهی از منکر» در عرصه اجتماع، متعرض زنان و دختران دارای پوشش نامناسب می شوند. به اعتقاد برخی جامعه شناسان، برخوردهای ناسنجیده با انحراف ها و منحرفان، در

دراز مدت به گردهم آمدن این افراد در قالب گروه‌های سازمان یافته می‌انجامد. «تقابل می‌تواند افراد هم فکر و هم عقیده را در گروه‌های با ثبات یا حتی کم ثبات گرد هم آورد تا بتوانند هنجارهای مورد نظر خود را (و غالباً نیز ایدئولوژی خود را) استحکام بخشیده و توسعه دهند.»<sup>۲۳</sup>

ی) ضعف برنامه ریزی در تأمین نیاز جنسی و ایجاد امکان ازدواج به هنگام جوانان: نهادهای مسئول در زمینه حجاب در زمینه سازی برای تخلیه هیجان‌های طبیعی از طریق جهت دادن آنها به سوی فعالیت‌های مفید و سازنده، یک پارچه عمل نمی‌کنند.

ک) کم توجهی نهادها و سازمان‌های فرهنگی به توطئه‌های خاموش دشمنان در براندازی فرهنگ عفاف

توطئه‌هایی که بیش از چند دهه در این مملکت جریان داشته، هیچ‌گاه جدی تلقی نشده است. مستر همفر، یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران در ارزیابی حجاب زن ایرانی می‌نویسد:

در مسئله بی‌حجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید به استفاده شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم، همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنس نامشروع با زنان غیر مسلمان کاملاً بدون حجاب ترغیب کنیم تا زنان مسلمان از آن تقلید کنند.<sup>۲۴</sup>

۲۳. لوئیس آ. کوزر، نظریه تقابل‌های اجتماعی، ترجمه: عبدالرضا نواح، ص ۲۷۴.

۲۴. به نقل از: سینا واحد، قره‌العین؛ درآمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران، ص ۹۳.

ل) سوء استفاده بدخواهان از بی‌حجابی برای مخالفت با نظام سیاسی و ارزش‌های فرهنگی مورد حمایت آن:

دشمنان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از بی‌حجابی به عنوان شگردی تصنعی برای مبارزه با نمادهای اجتماعی اسلام استفاده کرده‌اند؛ زیرا حجاب همواره یکی از نمادهای آشکار هواداری از ارزش‌های اسلامی و انقلابی مورد تأیید و تبلیغ نظام تلقی شده است. برخی نیز بر این باورند که با توجه به حساسیت‌های موجود، بدحجابی و بی‌حجابی در ایران، راهی برای ابراز تمایلات پرخاش‌گرانه و معترضانه معطوف به نظام سیاسی و نیز سوپاپ اطمینانی برای تخلیه هیجان‌ها و عقده‌های سرکوفته و ناکامی‌های سیاسی است و جامعه را از برخی بحران‌های محتمل در امان نگه می‌دارد.

### تبیین جامعه‌شناختی بی‌حجابی

تردیدی نیست که بی‌حجابی نیز هم‌چون دیگر انحراف‌های اجتماعی، ریشه‌های مختلفی دارد. با بررسی ریشه‌یافت‌های نظری متعدد، ارتباط میان این پدیده با عوامل مؤثر در شکل‌گیری و استمرار آن را می‌توان تبیین کرد. مهم‌ترین این نظریه‌ها عبارتند از:

#### ۱. ضعف جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی

از توضیح دوباره این نظریه، به دلیل آن‌چه در بخش عوامل فرهنگی از آن سخن رفت، خودداری می‌شود. با نگاه به این نظریه، انتقال ندادن و درون‌ریزی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در ساختار شخصیت، نبود حساسیت متناسب نسبت به رعایت انتظارات جمعی، ضعف تعلق به فرهنگ خودی، بی‌قیدی و بی‌مسئولیتی در رعایت قواعد اجتماعی، ضعف انگیزه در انجام کنش‌های هم‌سو، بی‌مبالاتی در رعایت حریم‌ها، ارتکاب جرایم و انحراف که در دوره‌های سنی مختلف به صورت‌های گوناگونی رخ می‌دهد، در مراحل

مختلف رشد شخصیت فرد ریشه دارد. این موضوع به عنوان یک متغیر وابسته، بیش از آن که به شخص مربوط باشد، به عمل کرد کارگزاران جامعه‌پذیری هم چون خانواده، شبکه‌های ارتباطی، محیط‌های آموزشی، کانون‌های فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی مربوط می‌شود که در تربیت و شکوفایی استعدادها و اعضای جدید و آماده‌سازی آنها برای ایفای نقش‌های شهروندی نقش محوری دارند. عمل کرد ضعیف یا متعارض و ناهم‌خوان این کارگزاران، آثار جبران‌ناپذیری در مراحل بعدی بر جای می‌گذارد و به دلیل نبود زیر ساخت‌های مناسب، بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ها را بی‌اثر می‌سازد. در صورتی که فرد در مراحل اولیه زندگی خود در معرض آموزه‌ها و تجربه‌های زیستی ناهم‌گون هم چون زندگی در دیگر فرهنگ‌ها و محیط‌ها قرار گرفته باشد، به از خودیگانگی فرهنگی، هم‌سویی با ارزش‌ها و هنجارهای غیر خودی، سرپیچی از هنجارهای جامعه‌گرایش خواهد داشت. بی‌حجابی نیز به عنوان یک تخلف هنجاری، دست کم در مورد برخی کنش‌گران، در فرآیند جامعه‌پذیری و کاستی‌های تربیتی ریشه دارد.

## ۲. گزینش عقلانی (محاسبه سود و زیان)

بر اساس این نظریه، کج‌روی، ره‌آورد گزینش و انتخاب فرد است. افراد به کج‌روی دست می‌زنند؛ چون خود چنین می‌خواهند. انتخابی که امکان آن هر چند با نسبت‌های مختلف، برای همه افراد وجود دارد. این نظریه، هر چند اثرپذیری رفتار از علل پیرامونی و عوامل محیطی را نفی نمی‌کند، ولی در نهایت، فاعل کنش را مسئول اصلی این انتخاب می‌داند. وی با انجام محاسبه‌های خاص، از میان رفتار کج‌روانه و رفتار مقابل آن، اولی را بر دومی ترجیح می‌دهد و به آن دست می‌زند. به همین دلیل، در همه نظام‌های اخلاقی و حقوقی متعارف، فرد، مسئول رفتار خویش شناخته می‌شود. او هنگام اراده کردن برای انجام رفتار کج‌روانه، ابتدا پی‌آمدهای مثبت و منفی یا به تعبیری،

هزینه‌ها و پاداش‌های آن را هر چند با محاسبه‌های سطحی نگرانه و کوتاه‌بینانه ارزیابی می‌کند و در صورتی که مزایای چنین رفتاری بر پی‌آمدهای منفی آن برتری یابد، انگیزه و اشتیاق انجام آن در ساحت نفس کنش‌گر افزایش خواهد یافت. در مراحل بعد، در صورتی که موانع محیطی، این اراده تحریک شده را تضعیف نکند، رفته رفته خود را در قالب رفتارهای عینی به فعلیت خواهد رساند.

بر اساس این نظریه، هر جامعه برای بازداشتن افراد از ارتکاب محتمل کج‌روی یا کاهش آن، ناگزیر باید با ایجاد موانع مختلف، هزینه‌های انحراف را بالا ببرد و اشتیاق افراد به انجام آن را به پایین‌ترین سطح ممکن کاهش دهد. این روش، مطمئن‌ترین راهی است که می‌تواند انتخاب کج‌روی را از فهرست گزینه‌های افراد حذف کند. «... برای کنترل یک جامعه و جلوگیری از انحراف‌ها و آشفتگی‌ها، عوامل زیادی لازمند که یکی از آنها، سیستم کنترل و مجازات می‌باشد. بدین معنا که باید اعضای یک جامعه مطمئن باشند که در صورت تخطی از قوانین و مقررات، به گونه‌ای سنگین مجازات می‌شوند و دست زدن به آن کار خلاف را بر اساس تئوری گزینش عقلانی مقرون به صرفه نبینند.»<sup>۲۵</sup>

بر اساس این نظریه، دست کم بخشی از موارد بی‌حجابی در جامعه، به برخورد سست افکار عمومی، در پیش‌نگرفتن سیاست‌های استراتژیک در برخورد با معضله‌های فرهنگی، بهره‌نگرفتن از ظرفیت‌های جمعی بازدارنده هم‌چون نهی از منکر، نشان‌ندادن واکنش در خور و ضابطه‌مند مراجع رسمی به متخلفان و تسامح توجیه‌ناپذیر در برابر آن برمی‌گردد.

### ۳. نظریه خرده فرهنگ‌ها

بر اساس این نظریه، تعلق هر چند ذهنی فرد به یک خرده فرهنگ نسبتاً



بیشتر افراد بدحجاب و بی‌حجاب، خواسته یا ناخواسته، به فرهنگ‌ها، نظام‌های بینشی و گرایشی و الگوهای دل‌بسته‌اند که با فرهنگ و ارزش‌ها و قواعد مسلط و جامعه اسلامی، تعارض دارند.

ناهم‌گون با فرهنگ غالب، به ویژه اگر با رضایت مندی همراه باشد و فرد از رهگذر این هم‌سویی، به پاداش‌های روانی خوش‌آیند و ارضاکننده‌ای دست یابد، رفته رفته سبب می‌شود فرد از التزام به اقتضاهای فرهنگ غالب چشم‌پوشد و به نوعی بی‌مسئولیتی در قبال ایفای تعهدات فرهنگی روی آورد. در صورتی که فرد بتواند فشار سنگین ناشی از تقابل میان اقتضاهای ناهم‌خوان این دو جریان فرهنگی را تحمل کند و برای آن توجیه کافی داشته باشد، به احتمال بسیار، تقاضای خرده‌فرهنگ یاد شده را به زیان فرهنگ غالب، اجابت و از ایفای الزامات شهروندی‌شانه خالی خواهد کرد.

«کلوارد و اولین یادآور می‌شوند که دست‌یازیدن نوجوانان بزه‌کار به رفتارهای کج‌روانه ممکن است برای آنان نوعی توفیق اجتماعی را در پی داشته باشد و تأیید اعضای یک خرده‌فرهنگ یا یک گروه کج‌رو که این کج‌روان نیز معمولاً آن را خرده‌فرهنگ یا گروه خودی می‌پندارند، انواعی از رضایت خاطر و احترام را برای آنان به ارمغان آورد و این امر، احتمال استمرار آن رفتارها را تقویت کند.»<sup>۲۶</sup>

این نظریه، برای تبیین بی‌حجابی زنان وابسته به گروه‌های ضد انقلاب، طبقه اشراف، افراد غیر معتقد به هنجارهای ملی و مذهبی و جوانان تنوع‌طلب و هرهری مذهبی که برای قواعد اخلاقی و ارزش‌های جمعی، حرمت و اعتبار





چندانی قائل نیستند و برای جلب توجه و ارضای هیجان‌های خود، بی پروا و گاه مفتخرانه به نقض قواعد اجتماعی دست می‌زنند، نظریه مناسبی است.

#### ۴. نظریه یادگیری کجروی

نظریه دیگری که با نظریه پیشین مشابهت بسیار دارد، نظریه یادگیری کجروی است. بر اساس این نظریه، وجود شرایط مناسب و سادگی ارتکاب اعمال کجروانه هر چند در گستره محدود و امکان مشاهده عینی و اطلاع یابی دیگران از کم و کیف انحراف‌های جاری و تعامل روان و عادی کجروان با دیگر اعضای جامعه به ویژه در شهرهای کوچک و مناطق کم جمعیت، زمینه انتقال و گسترش سریع این ویروس را در سطح وسیع فراهم می‌سازد و افراد دارای تمایلات و ظرفیت‌های بالقوه را به صحنه می‌کشاند. آثار این اثرپذیری و پیروی ناخودآگاه را در آمار فزاینده انحراف می‌توان دید. ساترلند و کرسی در توضیح این نظریه می‌نویسند:

کجروی در ضمن کنش متقابل فرد با دیگران و در جریان ارتباطات صمیمانه در درون گروه آموخته می‌شود. این یادگیری شامل تکنیک ارتکاب، گرایش‌ها، جهت‌گیری‌ها، انگیزه‌ها و توجیه رفتار می‌گردد. جهت‌گیری خاص انگیزه‌ها و گرایش‌ها از طریق تعاریف موافق یا مخالف قواعد قانونی انجام می‌گیرد. گروهی که فرد را احاطه کرده‌اند یا همگی معتقد به رعایت قوانین یا همگی موافق قانون شکنی‌اند. فرد در صورتی به کجروی سوق می‌یابد که در فرآیند معاشرت خود با دیگران، بیشتر در معرض تعاریف موافق قانون شکنی باشد. به عبارت دیگر، تعاریف موافق قانون شکنی از فراوانی بیشتری در مقایسه با تعاریف مخالف قانون شکنی برخوردار باشند. بالطبع هر چه معاشرت فرد با

کج‌روان از نظر فراوانی دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت، میزان درگیری عاطفی، تناسب با الگوهای تجربه شده و... بیشتر باشد، این اثرپذیری بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود. نکته آخر این که کج‌روی را نمی‌توان از طریق نیازها و ارزش‌ها توجیه کرد، چه رفتارهای بهنجار نیز تحت تأثیر نیازها و ارزش‌ها صورت می‌پذیرند. ۲۷

### ۵. برجسب‌زنی‌های ناسنجیده

نظریه دیگری که بیشتر به استمرار کج‌روی مربوط است تا پیدایش آن، نظریه «برجسب‌زنی» است. بر اساس این نظریه، شیوه برخورد جامعه با کج‌روانی که در ابتدا و از روی ناآگاهی و تمایلات هواخواهانه، به رفتار کج‌روانه دست می‌زنند، در ادامه وضعیت ایشان نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. برخوردهای خشن و واکنش‌های ناسنجیده می‌تواند این افراد را در ادامه راهی که در پیش گرفته‌اند، تحریک و تهییج کند و ایشان از این پس، به عنوان واکنش دفاعی، به این کج‌روی ادامه می‌دهند و واکنش دریافت خواهند کرد. این ماریج زورآزمایی، هزینه‌های زیادی بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند و نقطه پایانی هم برای آن متصور نیست. «این برجسب به تدریج در روحیه فرد تأثیر می‌گذارد؛ چون تصویر او در نظر دیگران تغییر کرده، مردم حتی الامکان از او دوری می‌جویند و در ضمن، او را از شرکت در فعالیت‌های مرسوم باز می‌دارند. فرد به تدریج از دیگران جدا شده، خود را تنها می‌یابد... از نظر بکر، برجسب خوردن، خواه ناخواه فرد را به سوی کج‌رفتاری بیشتر سوق می‌دهد. مثلاً معتادی که شغل خود را از دست داده و دوستانی هم ندارد، تنها راه ادامه زندگی برای او، پیوستن به معتادان دیگر و انجام کارهای غیر قانونی

مثل فروش مواد مخدر است. بکر معتقد است که رفتار دیگران با افراد کج‌رو تحت تأثیر برجسی که به آنها خورده، ادامه زندگی معمولی را برای این افراد غیر ممکن می‌سازد...<sup>۲۸</sup>. احتمالاً برخوردهای قاطع و یک‌سنگ و پی‌نگرفتن سیاست‌های مرحله‌ای در تبلیغ و القای ارزش‌های فرهنگی هم‌چون حجاب از سوی گروه‌های به اصطلاح پاس‌دار حریم عمومی، توسل به حرب‌های ایذایی و بی‌توجهی به شخصیت انسانی متخلفان، از اثربخشی این سیاست‌ها در اصلاح روند موجود کاسته و با سیاسی شدن مسئله حجاب، انگیزه متخلفان برای دامن زدن به بی‌حجابی و نقض ارزش‌های فرهنگی و تنش‌آفرینی بیشتر شده است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سیاست‌های ارشادی و هدایتی و برخوردهای اخلاقی با این‌گونه افراد و اجرای برنامه‌های فرهنگی گسترده در سطوح مختلف، برای حل اساسی این‌گونه معضلات، کارآیی بیشتری دارد.

## ۶. تناقض‌های هنجاری

نظریه دیگری که از نظریه‌های وابسته به نظریه «ضعف کنترل اجتماعی» در محیط‌های شهری است، «تناقض‌های هنجاری» نام دارد. تکثرگرایی فرهنگی، تنوع نظام‌های اعتقادی و ارزشی، تعدد شیوه‌ها و سبک‌های زندگی، تنوع هنجارها و رسوم، اشاعه سریع و اختلاط مستمر فرهنگ‌ها، ورود آسان به قلمروهای میان‌فرهنگی، اختلاط عناصر و مؤلفه‌های خودی و بیگانه، چندلایه‌ای شدن هویت‌ها و دیگر تحولات ناشی از وضعیت تمدنی معاصر، مجموعه‌ای از آشفتگی‌ها و اختلاط‌های ارزشی و هنجاری را به وجود آورده است. تعارض‌های شایع رفتاری ناهم‌سو با اقتضاهای فرهنگ جامعه و ضعف نظام‌های کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی، به دلیل همین

وضعیت و اختلال‌های فرهنگی به وجود آمده است. وجود این زمینه در کشیده شدن افراد به بی‌حجابی به عنوان یکی از نمودهای این آشفتگی هنجاری و تنوع طلبی مؤثر بوده است. یکی از آسیب‌شناسان اجتماعی معاصر در توضیح وضعیت فرهنگی شهرهای بزرگ می‌نویسد:

یکی از ویژگی‌های عمده شهرها، تنوع دل‌بستگی، آرمان و آرزوهای افراد ساکن آن می‌باشد که در جوار هم‌دیگر با هم در تماس هستند. مردمی که در منطقه شهری زندگی می‌کنند، از نظر سن، نژاد، قبیله، نوع کار، علاقه‌مندی، طرز تلقی، ارزش‌ها و آرمان‌ها با هم تفاوت دارند... در اثر تراکم جمعیت و فزونی تحرک، افراد ساکن شهرها دارای برخورد‌های جامعه‌ای و جماعتی متنوعی هستند. وسایل ارتباط جمعی مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون، مردمان شهرها را به طور دایم در جریان پندارها و اندیشه‌های متعدد قرار می‌دهند. بالاتر از این امر، بی‌تفاوتی نسبی و نبود پیوندهای صمیمانه در زندگی شهری موجب می‌شود که علاقه‌مندی گروهی ویژه‌ای پدید آید تا افراد بتوانند در برابر ماشین سیاسی و فشار جامعه‌ای دیگر پایداری نمایند.<sup>۲۹</sup>

## ۷. انکار مسئولیت

در مواردی، فرد به دلایل مختلف به آستانه بی‌قیدی و گریز از تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی می‌رسد. در چنین شرایطی، فرد از درک واقع‌بینانه عمل کج‌روانه خود و برآورد بی‌آمدهای منفی فردی و اجتماعی آن ناتوان می‌ماند. آن‌گاه در مقام اعتراض و اعمال فشارهای اجتماعی، دیگران هم چون والدین

۲۹. داور شیخاوندی، جامعه‌شناسی انحرافات (آسیب‌شناسی جامعه‌ی)، ص ۲۸۵.

بی‌تعهد، دوستان ناباب، معلمان نااهل، محیط آلوده، جبر زمانه، رسانه‌های جمعی و تجربه زندگی در دیگر فرهنگ‌ها را عامل اصلی این گزینش، معرفی و با تحلیلی جبرگرایانه، خود را از پذیرش پی‌آمدهای منفی انتخاب و کار خویش تبرئه می‌کند. این گونه تحلیل‌ها در مورد بی‌حجابی، فراوان شنیده می‌شود. برخی نظریه‌ها نیز انحراف‌ها را ناشی از نارسایی‌های شخصیتی، روان‌گسیختگی‌های بنیادین، ضعف وجدان و حساسیت اخلاقی، احساس طردشدگی و حاشیه‌ای شدن می‌دانند که پرداختن به آنها مجال دیگری می‌طلبد.

### نتیجه‌گیری

از بررسی «بی‌حجابی» چنین به دست آمد که ریشه‌های پیدایش و گسترش این پدیده متعدد است و درمان اصولی آن نیز نیازمند برنامه‌ریزی همه‌جانبه و اعمال سیاست‌های مختلف، متناسب با شرایط و امکانات و محدودیت‌های محیطی خواهد بود. مهم‌ترین این سیاست‌ها و راه‌کارها عبارتند از:

۱. در پیش گرفتن سیاست‌های اصولی در برخورد با معضل‌های فرهنگی به ویژه بی‌حجابی؛
۲. تعریف مشخص و ترسیم الگوهای حجاب مطلوب و معرفی همگانی آن متناسب با روح تنوع‌طلبی و مدگرایی انسان معاصر و ضرورت‌ها و اقتضاهای فرهنگی؛
۳. تقویت جنبه‌های ارزشی، اخلاقی و تربیتی پوشش و تکریم پاس‌داران این عرصه؛
۴. تحقیر ابتدال در پوشش به شیوه‌های مختلف فرهنگی و تبلیغی به جای تکیه صرف بر وضع قوانین و برخوردهای رسمی؛
۵. تبیین و تبلیغ آثار مثبت و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب؛
۶. تبیین و تبلیغ آثار منفی بدحجابی و بی‌حجابی و افشای سیاست‌های تهاجمی دشمنان؛

۷. تلاش برای انتقال فرهنگ حجاب از طریق سازمان‌های فرهنگی و

رسانه‌های جمعی به ویژه با الگوسازی برای نسل جوان؛

۸. پاسخ‌گویی به شبهه‌های مربوط به پوشش و ضرورت‌های آن؛

۹. تقویت حساسیت عمومی و جهت‌دهی توده‌ها در مسیر مخالفت اصولی

با ناهنجاری‌ها و برداشتن بخشی از مسئولیت‌ها از عهده نهاد‌های رسمی؛

۱۰. ایجاد اصلاحات لازم در سازمان‌های اداری و فرهنگی و رسانه‌های

تصویری با هدف تثبیت حریم‌های جنسیتی و به حداقل رساندن اختلاط دو جنس؛

۱۱. تلاش برای تقویت حریم‌های مردانه و زنانه در گستره وسیع نظام

اجتماعی؛

۱۲. تقویت حس مسئولیت والدین در برابر فرزندان و غیرت‌ورزی مثبت

مردان در قبال همسران خویش، آموزش شیوه نظارت و کنترل روش‌مند همراه

با رعایت اصول اخلاقی و تربیتی بر عمل‌کرد آنان، ایجاد حساسیت مثبت در

والدین نسبت به تربیت جنسی فرزندان و اهمیت آن؛

۱۳. بسترسازی مناسب برای ازدواج به موقع جوانان و ارضای جهت‌دار

هیجان‌ها؛

۱۴. به‌سازی محصولات فرهنگی به ویژه کتاب‌ها، نشریات، فیلم‌ها و

مجموعه‌های تلویزیونی، برنامه‌های رایانه‌ای و لباس‌ها و کالاهای داخلی و وارداتی؛

۱۵. برخورد قاطع با متخلفان و مهره‌های اصلی فساد و ابتذال با اصلاح

قوانین و شیوه‌های مقابله با بی‌حجابان و عوامل تقویت‌کننده انحراف؛

۱۶. نظارت بر عمل‌کرد نهادها و کانون‌های فرهنگی و آموزشی به ویژه

صداوسیما، مراکز آموزش عالی و هدایت آنها برای ترویج ارزش‌ها و الگوهای

صحیح متناسب با ضرورت‌های انقلاب اسلامی؛

۱۷. نظارت و کنترل جدی بر گلوگاه‌های ورودی محصولات فرهنگی و

ارتباطات بیرونی؛

۱۸. نظارت بر اماکن عمومی، محیط‌های ورزشی و مناطق تفریحی.